

بررسی برنامه تلفیقی بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی

افسانه احمدی^۱

^۱ کارشناسی ارشد ادبیات و علوم انسانی . معلم استان ایلام ، شهرستان مهران (نویسنده مسئول)

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری – کتابخانه است که با توجه به نظرات اندیشمندان این عرصه به رشته تحریر در آمده است . هدف از نگارش این مقاله بررسی برنامه تلفیقی بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی است. نتایج این مقاله نشان می دهد که روش آموزش تلفیقی در برنامه درسی به افزایش خلاقیت در دانش آموزان می شود و می توان به این واقعیت اشاره کرد که فراگیرندگان در روش آموزش تلفیقی در برنامه درسی به جای یکجا نشستن و تمرین کردن، محیطی شاد و پرنشاط را تجربه می کنند و به انجام فعالیت های مختلف می پردازند. مطابق با یافته ها پژوهش حاضر نشان می دهد که برنامه درسی تلفیق شده باعث افزایش خلاقیت در دانش آموزان می شود.

واژه های کلیدی: برنامه تلفیقی، خلاقیت، دانش آموزان

مقدمه

مهمترین دوره تحصیلی در تمام نظام های آموزش و پرورش جهان دوره ابتدایی است؛ زیرا شکل گیری شخصیت و رشد همه جانبه فرد در این دوره بیشتر انجام می گیرد. دوره ابتدایی در رشد مفاهیم و معانی اموری که کودک در زندگی روزمره با آنها مواجه است، نقش مهمی بر عهده دارد. این دوره تداوم بخش تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک که در خانواده پی ریزی شده است، می باشد. همچنین دوره ای است که در آن فرصت و موقعیت مناسبی برای تحصیل، تربیت و یادگیری شیوه ارتباط صحیح با دیگران برای کودک فراهم می گردد و استعداد های هر کودک بتدریج شکوفا می شود. (صافی، ۱۳۸۶) لذا نظام های آموزشی سرتاسر جهان برای این دوره اهمیت ویژه ای قائل هستند، که نظام آموزشی ایران هم از این قاعده مستثنی نیست.

خلق فکر، ایده و مفاهیم نو همواره اساس اختراعات، اکتشافات و پیدایش راه های مناسب برای حل مسایل و مشکلات در زندگی انسان به شمار می آیند. جوامع پیشرفته و متمدن گذشته و حال پیوسته به ارزش و اهمیت این جنبه از توانایی های ذهنی و فکری انسان توجه نموده و درصدد تقویت آن برآمده و از این طریق به توسعه، رفاه ترقی و خوشبختی نایل آمده اند. چرا که بقول ارسطو ابتکار یگانه عامل موثر در پیشرفت انسان به شمار می آید. استرنبرگ نیز معتقد است: خلاقیت رویکرد خلق یا تشخیص ایده ها و احتمالاتی است که در حل مسئله یا در ارتباطات انسانی و سر گرم کردن خود و دیگران مفید است و اضافه می کند که برای خلاق بودن، افراد باید قادر باشند که مسائل را از دیدی تازه بنگرند و احتمالات و جایگزین های بدیع خلق آیند (استرنبرگ، ۱۹۸۹).

برنامه ی های درسی به عنوان عنصر اصلی و هسته مرکزی همواره مورد توجه فلاسفه، علما و صاحب نظران درسی تعلیم و تربیت و نظریه پردازان آموزشی بوده است. این توجه ناشی از این حقیقت است که هر اندازه هم که اهداف تعلیم و تربی تعالی و دقیق بوده است، بدون داشتن برنامه مناسب امکان تحقق این اهداف وجود نخواهد داشت. بهترین راه فهمیدن یک نقشه آن است که خود آن را بکشیم و بهترین راه فهمیدن، انجام دادن آن است. ما چیزی را بهتری فهمیم و بهتر به یاد می آوریم که آن را خود آموخته باشیم (نقیب زاده، ۱۳۷۴).

بیان مسئله

دوران کودکی از نقش حساس و تعیین کننده در زندگی انسان برخوردار است. توجه به این دوران تا آنجاست که اولاً کودکی از جانب روانشناسان و صاحب نظران تعلیم و تربیت غالباً به عنوان برجسته ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان شناخته شده است. ثانیاً وجود تعارضات، اختلالات و نابسامانی های روانی در این سنین را از عوامل اساسی در بروز مشکلات در سراسر زن دگی دانسته اند. با توجه به اهمیت و حساسیت دوران کودکی لازم به ذکر است که در میان نقش فعالیت های هنری و نقاشی در خلاقیت کودکان به ویژه در سال های پیش از دبستان حائز اهمیت است (دادستان، ۱۳۸۸).

انقلاب اطلاعاتی و الکترونیکی و انفجار دانش امکان پیش بینی دانش های لازم برای برخورد موثر با شرایط محیطی را با مشکل روبرو ساخته است لذا دانشمندان و محققان راه چاره را توجه به خلاقیت ها و توانمندی های بشری دانسته است اند (رنزولی، ۱۹۹۳).

متأسفانه امروزه در بیشتر مدارس، خلاقیت به شعاری بسیار زیبا بدل شده است. ساختار غیر منعطف دروس، مقررات و قوانین بدون انعطاف و ناهمگون مدرسه، روش های تدریس معلمان و نحوه برخورد آنان با دانش آموزان و بسیاری از عوامل دیگر منجر

به ه در رفتن خلاقیت دانش آموزان می شود. یکی از مشکلات اساسی در زمینه پرورش خلاقیت دانش آموزان استفاده از روش های آموزشی نامناسب و غیرمنعطف، غیرفعال و سنتی می باشد (عظیمی و فاضلیان، ۱۳۹۲).

رشد و توسعه خلاقیت وابسته به عوامل مختلفی است. عوامل مختلف فردی و اجتماعی مانند هوش، خانواده و ویژگی های شخصیتی و ... و غلبه بر موانع مختلف مانند ترس از شکست، قوانین محدودکننده و .. بر خلاقیت اثرگذار است. هرچند توانایی تفکر خلاق به صورت بالقوه و فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است. محققین معتقدند که همه انسان ها در کودکی استعداد خلاق دارند، اما نبودن محیط مناسب، بی توجهی و تقویت نکردن این توانایی، مانع ظهور آن می گردد. در زمینه پرورش مهارت های افراد یکی از موثرین مکان ها، مدارس ابتدایی است که شاکله شخصیتی و ذهنی دانش آموزان در آن جا شکل می گیرد (فاضلیان و عظیمی، ۲۰۱۱).

پیرخائفی (۱۳۷۷)، آسیب های خلاقیت را در چهار طبقه الگوهای فردی آسیب زا، الگوهای خانوادگی آسیب زا، الگوهای آموزشی آسیب زا و الگوهای اجتماعی آسیب زا طبقه بندی می کند. عوامل آموزشگاهی همچون بی تفاوتی معلمان، پابندی افراطی به قوانین و مقررات، نداشتن امکانات و برنامه از عوامل آسیب زا در زمینه خلاقیت هستند. کاظمی و جعفری (۱۳۸۷)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند

که ازجمله عواملی که منجر به هرز رفتن خلاقیت در دانش آموزان می شوند مشتمل بر ویژگی های معلم همچون مدرک تحصیلی پایین، سابقه خدمت کم، نگذاردن دوره های آموزشی لازم می باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

برنامه درسی هنر قابلیت قابلیت بسیار خوبی جهت تلفیق با سایر برنامه های درسی مثل ریاضی، علوم، فارسی و دارد. تلفیق دروس با هم مرزهای ناصواب و غیر واقعی بین دروس مختلف را در هم شکسته و منجر به ایجاد تجارب اصیل، واقعی، لذت بخش و چندبعدی برای فراگیران می شود. این نوع از تلفیق راهکاری مناسب برای غلبه بر مشکل برنامه درسی متمرکز در مدارس است که محدود کننده پرورش خلاقیت در مدارس است (شرفی، ۱۳۹۰). مسئولیت و نقش خطیر معلم به عنوان یکی از ارکان اصلی مدرسه در رویارویی با این مسایل بسیار مهم می باشد و در این محیط برای همگام شدن با تحولات پرشتاب، افراد باید به سمت خلاقیت و نوآوری هدایت گردند و برای بهبود عملکرد باید نوآوری و خلاقیت را به همراه پژوهش و توسعه به کار گرفت. کلید تربیت فرهنگی را که خود کلید توسعه، ترقی و تکامل جامعه است باید در دست معلمان نوجو و نوآور دانست (منادی، ۱۳۷۹).

اگرچه سیستم آموزشی کشور ما به صورت متمرکز است و این موضوع از بعد پرورش خلاقیت دانش آموزان منفی تلقی می شود (حقیقی، ۱۳۹۱)؛ منتهی معلمین می توانند در قالب اهداف و محتوای مصوب

و با انعطاف پذیری در نحوه ارائه محتوا در قالب تلفیق با سایر دروس و ازجمله هنر، در درون ساختار به ظاهر غیرمنعطف سیستم آموزشی، انعطاف پذیری مناسبی ایجاد نمایند که قابلیت حیات در سیستم متمرکز آموزشی را دارا می باشد (فاضلیان و عظیمی، ۱۳۹۳). برنامه درسی تلفیق شده در کنار مزایای مختلفی که داراست منجر به کاهش زمان آموزشی شده و از پرداخت مجزا به دروس مختلف می کاهد و منجر به افزایش کیفیت فرایندهای یاددهی - یادگیری می شود (شرفی، ۱۳۹۰).

تعریف خلاقیت:

در دنیای پیچیده ی کنونی، که شاهد رقابت های بسیار فشرده جوامع گوناگون برای دست یابی به جدید ترین فناوری و منابع قدرت هستیم. افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه نو و تفکر واگرا، به مثابه گران بهاترین سرمایه ها، از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار هستند. در واقع زندگی عصر اخیر لحظه به لحظه در حال نو شدن و تجدید است و از این رو خلاقیت و نو آوری ضرورت استمرار زندگی فعال است. در واقع این انگیزه ذاتی انسان ها است که پیوسته در جستجوی ایجاد تغییر در محیط اطراف و زندگی خود باشند و به همین منوال قوه خلاقیت و نوآوری نیز برای ارضای این نیاز ذاتی در وجود انسان جای گرفته است در واقع در سال های اخیر شاهد تحولاتی در نگرش، دانش و طرز برخورد با موضوع خلاقیت بودیم و مانند زمان گلیفورد تنها به دانش پایه در این موضوع افزوده نمی شود و بیشتر سعی می شود کاربرد هایی موثر از مباحثی مثل خلاقیت به دست آید (افروز، ۱۳۸۰).

اما قبل از هرگونه تصمیم گیری در رابطه با شیوه ها و برنامه های پرورش خلاقیت لازم است ویژگی ها و ابعاد آن را بهتر بشناسیم. تلاش برای شناخت ابعاد خلاقیت از دهه ها قبل آغاز شده است و اکنون ما در موقعیتی قرار داریم که شناختی نسبی از این موضوع در دست است ولی تا کشف کامل حقایق مربوط به این استعداد هنوز فاصله زیادی داریم (قیطاسی، ۱۹۹۹).

ملاک اصلی و عمده برای اطلاق نام خلاقانه به بعضی از آثار و دستاوردها، بدیع یا نو بودن آنها است. در بیشتر تعاریف، نظریه پردازان خلاقیت عبارت خلاقانه را به آثاری اطلاق می کنند که به روش های نوینی در زمان خود منجر شده باشند. البته اغلب کسانی که به بررسی خلاقیت مشغولند در این نکته توافق دارند که جدید بودن برای تعریف خلاقیت به تنهایی کافی نیست و محصول نو باید ارزشمند بوده و یا با نیاز ها و شرایط موقعیت نیز متناسب باشد (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳).

اهمیت خلاقیت

به طور کلی، خلاقیت موجب خواهد شد که موارد ذیل تحقق یابد:

- رشد و شکوفایی استعدادها و سوق دهنده به سوی خود شکوفایی
- موفقیت های فردی، شغلی و اجتماعی
- افزایش کمیت، تولیدات و خدمات
- کاهش هزینه ها، ضایعات شغلی کارکنان
- افزایش انگیزش کاری کارکنان
- ارتقای سطح بهداشت روانی و رضایت شغلی کارکنان
- ارتقای بهره وری سازمان
- رشد و بالندگی سازمان
- تحریک و تشویق رقابت (بنیاد فکری رضوی، ۱۳۸۷).

پرورش خلاقیت:

در رابطه با کودکان بزرگتر خلاقیت بیشتر بر روی فرایند یعنی ایجاد ایده ها متمرکز است. پذیرش ایده های چندگانه از سوی والدین در یک فضای خالی از ارزشیابی به ایجاد ایده های بیشتر کمک می کند و یا کودک را به مرحله بعدی خود ارزیابی

انتقال می دهد. همچنان که کودکان توانایی خود ارزیابی را در خود رشد می دهند مسئله کیفیت و ایجاد محصولات از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این سن بایستی تاکید بر خود ارزیابی باشد و برای این کودکان توانایی شان در ایجاد و ارزیابی فرضیه ها و تجدید نظر در ایده هایشان بر اساس این ارزشیابی تبیین شود (خان زاده، ۱۳۵۸).

بی شک یکی از زیبا ترین ویژگی های انسان قدرت آفرینندگی و یا خلاقیت اوست به واسطه همین ویژگی است که انسان می تواند اهداف آرمان گرایانه خود را پدید آورد و توانایی های خود را شکوفا سازد. آنچه پیش از این در مورد خلاقیت تصور می شد بر اساس نگرش نبوغ آمیز بنا شده بود و طبق این نگرش خلاقیت به افراد خاصی تعلق داشت. افرادی که از نبوغ استثنایی برخوردار بوده و توانایی های ذهنی آنان فراتر از مردم عادی به شمار می رفت. بنابراین خلاقیت موهبتی آسمانی پنداشته می شد که صرفا در اختیار تعداد محدودی از افراد قرار گرفته است (یزدچی، ۱۳۷۹).

تعاریف مختلف برنامه درسی تلفیقی

لیک (۱۹۹۴)، برنامه درسی میان رشته ای را می توان با برنامه درسی یکپارچه نیز مترادف دانست به گفته ای او مطالعه یکپارچه آن چیزی است که دانش آموزان به طور گسترده ای دانش را در دروس متعدد و مرتبط با جنبه های معینی از محیط پیرامون خود جست و جو و کشف می کنند. آن ها با نگاه به پیوند های میان علوم انسانی، هنرهای ارتباطی، علوم طبیعی، ریاضیات، مطالعات اجتماعی، موسیقی و هنر معتقدند در این نوع برنامه درسی، مهارت ها و دانش، رشد یافته و در بیش از یک حوزه به کار می روند.

اریکسون (۱۹۹۵)، برنامه درسی تلفیقی را عبارت از تلفیق برنامه درسی یعنی سازمان دهی محتوای آموزشی و درسی زیر چتر یک مفهوم مشترک می داند. به نظر وی این نوع برنامه تشریح عمیق تر مفهوم مورد بررسی است که با استفاده از سطوح بالاتر تفکر حاصل می گردد. مانند زمانی که دانش آموز، از سطح دانش گذشته و به سطح تحلیل و یا ترکیب قدم می نهد. تلفیق برنامه ی درسی یک تئوری طراحی برنامه ی درسی است که به افزایش امکاناتی برای تلفیق فردی و اجتماعی، از طریق سازماندهی برنامه ی درسی حول مسائل و موضوعات مهم می انجامد.

اکرم (۱۹۸۹)، برنامه درسی تلفیقی را وسیله ای جهت نیل به نتایج گسترده تر یادگیری میداند. وی معتقد است، برنامه های درسی تلفیقی می تواند جو فرهنگی را برنظام آموزش حاکم کند که تحت تأثیر آن، ویژگی های مثبت عقلانی، عاطفی و به طور کلی ویژگی های مثبت شخصیتی در دانش آموزان تقویت شود.

چرایی رویکرد تلفیقی

هاشمیان نژاد (۱۳۸۳) نیز دلایل عمده ی توجه به برنامه درسی تلفیقی را عبارت از موارد ذیل می داند:

- رشد دانش و اطلاعات: توسعه ی انفجاری و سرعت خروج اطلاعات نیاز به بازنگری شیوه ی آموزش را ضرورت می بخشد.
- برنامه های مجزا و گسسته: علیرغم وجود ارتباط بین همه ی پدیده ها، مشخصه ی بارز برنامه های درسی خطی، پراکندگی و تفکیک است، این امر با واقعیت هستی و زندگی انسان سازگاری ندارد.
- ارتباط با زندگی واقعی: یکی از مشکلات عمده ی دانش آموزان، نامرتب بودن برنامه ی درسی آن ها با زندگی خارج از مدرسه است. دانش آموزان به طور طبیعی در زندگی روزانه هنگام مواجه شدن با یک مسئله، آن را از ابعاد کمی، اجتماعی، ارزشی و ... مورد بررسی قرار می دهند و برای حل آن دست به ترکیب، تحلیل، مقایسه و نتیجه گیری می زنند و سپس تصمیم گیری می کنند؛ حال آنکه یک روز مدرسه فاصله ی زیادی با این ویژگی ها دارد و

همین امر باعث می شود که هرگز فرصت فهم موضوع را به طور عمیق پیدا نکنند، لذا لازم است دانش آموزان از طریق تلفیق، متوجه چگونگی کاربرد مهارت ها در همه ابعاد زندگی خود شوند. در واقع اولویت مهارت ها یا محتوا مطرح نیست، بلکه آن چه اهمیت دارد، این است که به وسیله ی کاربرد مهارت های تفکر، بتوان بین رشته های علمی ارتباط برقرار کرد تا فهم عمیق تر محتوا گردد. که در این معنا برنامه ی درسی تلفیقی وسیله ای موثر برای تربیت یادگیری مادام العمر است.

جاکوبز (۱۹۸۹) به دلایل زیر یکپارچه سازی برنامه های درسی را ضروری می داند:

- رشد دانش و تخصص منتج از تحقیق و عمل، و ضرورت کشمکش برنامه ریزی درسی با آن چه که باید تدریس شود و آن چه که می تواند از برنامه ی درسی حذف شود.
- منقطع شدن جداول زمانی مدارس و گسستگی فعالیت ذهنی دانش آموزان در ساعات درسی مختلف.
- بی ارتباطی برنامه های درسی با نیازها و علایق دانش آموزان و زندگی خارج از مدرسه
- ضرورت فهم موضوعات و ارتباط آنها با یکدیگر و با مسائل و رویدادهای دنیای واقعی

ویژگی های برنامه درسی تلفیقی

- ترکیبی از موضوعات وجود دارد نه یک موضوع خاص.
- برنامه انعطاف پذیر است. گروه بندی شاگردان نیز انعطاف پذیر است.
- بین مفاهیم ارتباط وجود دارد.
- تاکید بر روی پروژه هاست.
- منابع فراتر از کتب درسی است.
- مسائل مورد علاقه، در اولویت سازماندهی قرار دارند.
- گروه بندی دانش آموزان و امکان انعطاف پذیری آن میسر است.
- روابط میان عناوین و موضوعات داخل و بیرون کلاس برای دانش آموزان آشکار است.
- دانش آموزان در کارهایشان مشارکت دارند.
- احترام و همکاری و احساس مسئولیت در بین شاگردان قوی است.
- نقش معلم صرفاً انتقال دهنده اطلاعات نیست بلکه تسهیل کننده است.
- ارزش یابی مبتنی بر اعتماد است و با روش های جدید مانند سنجش عملکرد انجام می پذیرد.
- می توان رشته را بر محور موضوعات و مسائل برگرفته از زندگی افراد سازماندهی کرد.
- اهداف، محتوا و فرایند با هم تلفیق می شوند.
- هر دو بعد زندگی فردی و اجتماعی دانش آموزان تحت پوشش قرار داده می شود.
- دانش آموزان فرصت کسب تجربه عملی مهارت ها را دارند.
- مرزهای ساختگی بین آموزش و پرورش از میان می رود.
- دانش آموزان خود رهبر و خودآموزند(شوماخر، ۱۹۹۶).

مراحل تلفیق برنامه درسی

(۱) **تعیین اهداف:** تعیین هدف، اساسی ترین اقدام و نخستین گام در برنامه ریزی است. اگر این نخستین گام به درستی برداشته شود، اقدامات بعدی به مقدار زیادی وضع مطلوبتری خواهند داشت. باتوجه به این قاعده، اهداف باید طراحی شود و مبنای عمل قرارگیرد.

(۲) **تحلیل هدف ها:** هدفهای کلی باید به هدفهای جزئی تحلیل شود.

(۳) **انتخاب محتوا:** محتوا وسیله ای مؤثر برای دستیابی به هدفهاست. وقتی که از انتخاب محتوا سخن به میان می آید، بلافاصله ذهن به هدف معطوف میشود؛ زیرا محتوا در راستای هدف معنا پیدا میکند. در انتخاب محتوا معمولاً چند اصل در ادبیات برنامه درسی طرح میشود.

دو دیدگاه تلفیق در برنامه درسی:**الف) برنامه ی درسی محتوا محور:**

این برنامه شامل محتوا و مفاهیم اساسی دانش درباره ی جهان است. در این سطح، یادگیری محتوا برای همه ی دانش آموزان، اعم از ابتدایی یا متوسطه ضرورت دارد؛ به این معنی که حتی در مقطع ابتدایی که ظاهراً تأکید بر مهارت هاست، بر محتوا تمرکز دارد. در سطح متوسطه نیز برنامه ی درسی حول محور محتواست. هر چند گاهی دو یا چند موضوع به صورت مرتبط با هم مانند اطلاعات اجتماعی تدریس می شوند.

ب) برنامه ی درسی مهارت محور:

شامل استراتژی ها و مهارت های یادگیری براساس نقش آن ها در کمک به دانش آموزان در دومورد زیر است:

الف) کسب محتوای برنامه ی درسی تدریس شده

ب) توسعه ی مهارت های تفکر و یادگیری مستقل

تلفیق، در این نوع برنامه ی درسی به این معناست که مهارت های تفکر در حین آموزش محتوا تدریس می شوند؛ بنابراین در همه ی موضوعات درسی و همه ی پایه ها قابل کاربرد هستند. این امر سبب می شود که ارتباط بین دروس برای دانش آموزان روشن تر گردد.

آن چه از نظرات متخصصان بر می آید این است که برنامه ی درسی تلفیقی مهارت محور به دلیل مسئله محور بودن، موجب پرورش مهارت های سطح بالای فکری و به طور کلی مهارت های لازم برای زندگی در یک جامعه ی دموکراتیک می شود.

نتیجه گیری

روش آموزش تلفیقی در برنامه درسی به افزایش خلاقیت در دانش آموزان می شود و می توان به این واقعیت اشاره کرد که فراگیرندگان در روش آموزش تلفیقی در برنامه درسی به جای یکجا نشستن و تمرین کردن، محیطی شاد و پرنشاط را تجربه می کنند و به انجام فعالیت های مختلف می پردازند. آنان با نقاشی و کاردستی، با قصه گفتن و بازی کردن تمرین می کنند و مفاهیم هنر را می آموزند. آنان می بایست به انجام فعالیت های هنری متنوع بپردازند، در انتخاب حروف و اعداد تفکر کنند، به شعر گوش فرا دهند و آن را برای خود زمزمه کنند و همچنین مفاهیم هنر را که با روشهای مختلف تمرین کرده اند برای هم به نمایش می گذارند و همه این ها دست به دست هم می دهند تا محیطی با نشاط و لذت بخش را برای آنان فراهم کنند. مطابق با یافته ها پژوهش حاضر نشان می دهد که برنامه درسی تلفیق شده باعث افزایش خلاقیت در دانش آموزان می شود.

نیوشا، پاک دامن، و اوپسی (۱۳۹۲)، در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که استفاده از روش بدیعه پردازی موجب پرورش خلاقیت دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی می شود.

همچنین پاکیزه (۱۳۹۴)، نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که آموزش به روش تلفیقی هنر در مقایسه با روش سنتی، منجر به افزایش سیالی، بسط، اصالت و انعطاف پذیری دانش آموزان می شود.

وارس (۱۹۹۱)، خاطرنشان می کند که بررسی بیش از هشتاد پژوهش در این زمینه، بر این موضوع دلالت دارد که یادگیرندگان در برنامه درسی میان رشته ای (تلفیقی)، عملکردی مشابه یابتر از عملکرد یادگیرندگان در برنامه درسی سنتی داشته اند. یافته ها نشان می دهد که برنامه درسی میان رشته ای علوم انسانی از نظر آماری، تأثیر معناداری بر روی نوشتن و دانش محتوایی دارد. یادگیرندگان در این برنامه به مدت طولانیتری در آموزشگاه می مانند، سخت تر کار می کنند، و آموزشگاه را دوست دارند و در بحث های پیچیده تری درگیر میشوند که مستلزم آن است که آنان ارتباط هایی میان حوزه های محتوایی (مواد درسی مختلف) و دنیای واقعی ایجاد کنند.

منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۰). نوجوان، استقلال شخصیت و خلاقیت. نشریه ماهانه آموزشی- تربیتی. شماره ۱۸۵.
- پیرخانفی، علیرضا. (۱۳۷۷). مدیریت خلاقیت هنر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد.
- داستان، پریخ. (۱۳۸۸). ارزشیابی شخصیت کودکان تهران: انتشارات رشد.
- دائمی، حمید رضا و مقیمی، سیده فاطمه. (۱۳۸۳). هنجار یابی آزمون خلاقیت تورنس. تهران: نشر عابد.
- شرفی، حسن. (۱۳۹۰). امکان کاربرد رویکرد تلفیق تولید هنری و مفاهیم علوم تجربی در آموزش هنر. نوآوری های آموزشی. شماره ۱۰، ص ۱۱۹-۱۴۹.
- صافی، احمد. (۱۳۸۶). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سمت.
- عظیمی، صابر؛ فاضلیان، پوراندخت. (۱۳۹۲). گزیده مباحث و مقالات کاربردی در علوم تربیتی تهران: راشدین.
- فاضلیان، پوردوخت، عظیمی، صابر. (۱۳۹۳). تکنولوژی آموزشی. تهران: راشدین.
- قیطاسی. (۱۳۸۵). خلاقیت و پلی به سوی آینده. تهران: موسسه انتشاراتی صابرین.
- کاظمی، یحیی؛ جعفری، نرگس. (۱۳۸۷). بازدارنده های خلاقیت دانش آموزان: فعالیت ها و ویژگی های معلم اندیشه های نوین تربیتی. شماره ۳، ۱۱۰-۱۲۰.
- منادی، مرتضی. (۱۳۷۹). بررسی رابطه کلاس داری معلم با خلاقیت دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۷۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.
- هاشمینژاد، فریده. (۱۳۸۳). طراحی برنامه درسی با رویکرد تلفیقی.
- یزدچی، صفورا. (۱۳۷۹). بررسی و تبیین سهم عوامل و اثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان. ناظر: فاطمه بهرامی، طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.

Erickson, H. L. (2001). *Stirring the head, heart, and soul: Redefining curriculum and instruction* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Corwin Press.

Fazelian, P., & Azimi. S. (2013). Creativity in Schools. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 82, 719 – 723.

Jacob, H. H., (1989). Interdisciplinary curriculum: Design and implementation. Alexandria, VA: Association for Supervision and Curriculum Development. Retrieved, February 2010
<http://eric.ed.gov/PDFS/ED316506.pdf>

Lake, k. (1994). integrated curriculum. Retrieved February, 2010, from
<http://www.nwrel.org/scpd/sirs/8/>.

Rogers, N. (1993). The Creative Connection: Expressive arts as healing. Palo Alto, CA: Science and Behavior Books.

Shoemaker, B.J.E. (1996). What Are Thematic Teaching and Curriculum Integration. Retrieved February, 2010, from http://www.todaysteacher.com/thematic_tematic.teaching

Sternberg, R. J. (1988). The Triarchic mind: A new theory of Human Intelligence: Penguin books.